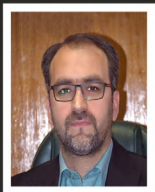


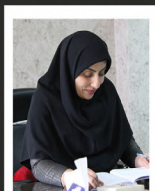
احمد تشکینی / بسته‌سازی مهارت‌ورم



حسن ولی ییگی / کسری بودجه، عامل مشترک تورم



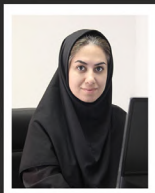
فهمیه بهرامی / موضوع اساسی «نابرابری تورم»



داود چراغی / اثر تورم بر اصناف



سمیه نعمت الهی / سهم وزارتخانه‌ها از تورم



حسن حیدری / تاثیر تورم بر رشد اقتصادی



رضا احمدی / ضرورت توجه به سبد کالا در مهارت‌ورم



بازار و بازار

بولتن تحلیلی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

شماره چهارم - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

شناخت ریشه‌ها و شاخه‌های

تورم در ایران

به همراه پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
روابط عمومی و امور بین‌الملل
۶۶۸۲۷۲۳۶ - ۶۶۸۲۷۲۳۶
WWW.ITSR.IR

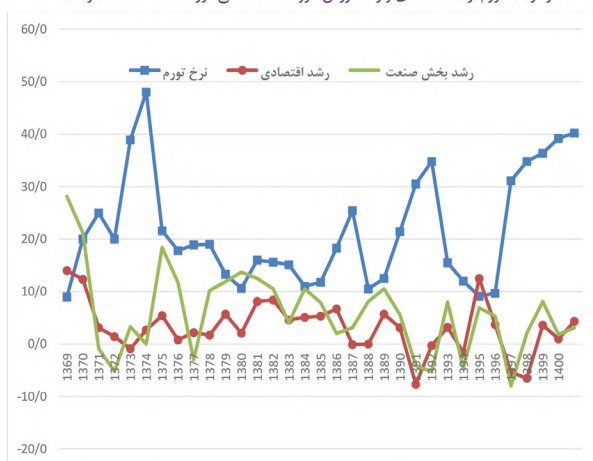


«تورم»

چگونه رشد اقتصادی را زمین گیر می کند؟

احمد تشکینی (دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)
حسن حیدری (پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

نمودار (۱): تورم، رشد اقتصادی و رشد ارزش افزوده صنعت طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۶۹ (درصد)



مآخذ: محاسبات پژوهش جاری براساس اطلاعات بانک مرکزی ج.ا. و مرکز آمار ایران (نرخ تورم بعد از سال ۱۳۹۷)

براین اساس ارتباط معکوس بین تورم با رشد اقتصادی و رشد ارزش افزوده صنعت به وضوح قابل مشاهده است به گونه ای که هرگاه روند تورم صعودی بوده است روند رشد اقتصادی و رشد صنعتی نزولی شده است (و بالعکس). گفتنی است دلیل ارتباط معکوس بین تورم و رشد در اقتصاد ایران آن است که تورم های دورقمی مانعی مهم پیش روی سرمایه گذاری است لذا از طریق کاهش افق سرمایه گذاری در بخش های تولیدی مانع از افزایش رشد اقتصادی می شود.

نکات کلیدی:

۱- رابطه معکوسی بین تورم با دو متغیر رشد اقتصادی و رشد ارزش افزوده صنعت طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۶۹ وجود داشته است.

۲- به دلیل ارتباط معکوس تورم و رشد در اقتصاد ایران، سیاست های ضد تورمی مانعی پیش روی خروج از رکود اقتصادی محسوب نمی شود.

۳- انتظار می رود سیاست های کنترل تورم تأثیرات مثبتی بر رشد اقتصادی و رشد ارزش افزوده صنعت طی سال های آتی داشته باشد (گفتنی است افزایش تورم طی سال های اخیر منجر به کاهش قدرت خرید خانوارها و بروز رکود طرف تقاضا شده است. در چنین شرایطی افزایش هزینه های تولید با مشکل فروش مواجه خواهد شد و در نتیجه تقاضا برای صنایع داخلی را کاهش می دهد، ضمن اینکه رقابت پذیری کالاهای صادراتی را نیز کاهش می دهد. بر این اساس کنترل تورم مانع از افزایش قیمت تمام شده کالاهای تولید داخل و کاهش قدرت خرید بیشتر طرف تقاضا خواهد شد.

رکود تورمی مهم ترین چالش سال های اخیر اقتصاد ایران است. رشدهای اقتصادی منفی طی چند سال گذشته (به استثنای سالهای ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱) و تورم بالای ۳۰ درصد طی همین دوره گواهی بر وجود رکود تورمی در اقتصاد ایران است. با توجه به روند رو به رشد نرخ تورم در ماههای گذشته، این سوال مطرح می شود که آیا سیاست کنترل نرخ تورم لزوماً به کاهش رشد اقتصادی منجر می شود؟ به طور مشخص چه رابطهای بین نرخ تورم و رشد اقتصادی وجود دارد؟

در پاسخ به این سوال (با استناد به نمودار ۱) می توان عنوان کرد رابطه معکوسی بین تورم با متغیرهای رشد اقتصادی (اعم از رشد کل اقتصاد ایران و رشد ارزش افزوده صنعت طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۶۹) وجود داشته است. به بیان دیگر دوره های دارای تورم بالاتر همزمان با رشدهای اقتصادی و رشد ارزش افزوده صنعتی پایین تر بوده است (و بالعکس). گفتنی است ضریب همبستگی تورم و رشد اقتصادی طی دوره موردنظر معادل -۰.۵۰ و ضریب همبستگی تورم و رشد ارزش افزوده صنعت معادل -۰.۴۵ می باشد که نشانگر همراهی و همبستگی معکوس و غیرمستقیم بین متغیرهای موردنظر است.

برای بررسی واضح تر ارتباط فوق الذکر می بایست روند بلندمدت متغیرهای مذکور استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

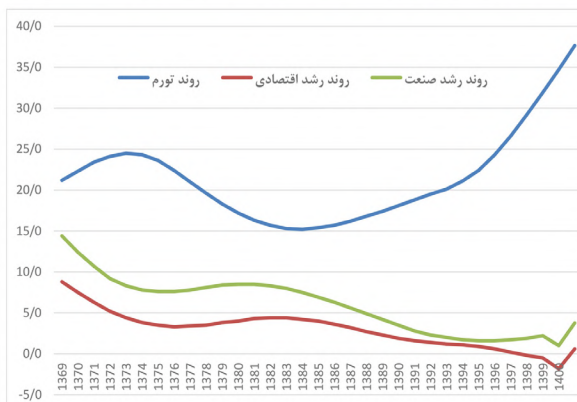
در نمودار (۲) روند بلندمدت سه متغیر تورم، رشد اقتصادی و رشد ارزش افزوده بخش صنعت آرایه شده است که براساس آن ارتباط متغیرها در سه ناحیه قابل آرایه است:

در ناحیه اول (دوره ۱۳۶۹-۷۴) روند بلندمدت تورم در حال افزایش است در حالی که روند بلندمدت رشد اقتصادی و رشد ارزش افزوده صنعت در کاهش است.

در ناحیه دوم (دوره ۸۴-۱۳۷۷) روند بلندمدت تورم در حال کاهش است در حالی که روند بلندمدت رشد اقتصادی و رشد ارزش افزوده صنعت در افزایش است.

در ناحیه سوم (دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۵) روند بلندمدت تورم در حال افزایش است در حالی که روند بلندمدت رشد اقتصادی و رشد ارزش افزوده صنعت در کاهش است.

نمودار (۲): روند بلندمدت تورم، رشد اقتصادی و رشد ارزش افزوده صنعت طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۶۹ (درصد)



مآخذ: برگرفته از گزارش «رصد، پایش و پیش بینی شاخص های قیمت» موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی می باشد.
* برای محاسبه روند بلندمدت متغیرهای تورم، رشد اقتصادی و رشد صنعت از فیلتر هودریک پروسکات استفاده شده است.



اثر تورم بر اصناف



در دو سه سال اخیر، فرآیند درخواست مجوز کسب برای ایجاد و یا تمدید فعالیت واحدهای صنفی با مشکلات گسترده ای روبرو شده است، چراکه رشد بی رویه نرخ تورم، موجب افزایش شدید قیمت املاک (به ویژه املاک تجاری، اداری و کارگاهی)، نرخ ارز و بسیاری دیگر از محصولات (ابزار و ماشین آلات مرتبط با کسب و کارهای مختلف تولیدی، توزیعی، خدماتی و خدمات فنی) شده است.

داود چراغی (استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

در هر حال، براساس قانون نظام صنفی «هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت های صنفی اعم از تولید، تبدیل، خرید، فروش، توزیع، خدمات و خدمات فنی سرمایه گذاری کند و به عنوان پیشه ور و صاحب حرفه و شغل آزاد، خواه به شخصه یا با مباشرت دیگران محل کسبی دایر یا وسیله کسبی فراهم آورد و تمام یا قسمتی از کالا، محصول یا خدمات خود را به طور مستقیم یا غیرمستقیم و به صورت کلی یا جزئی به مصرف کننده عرضه دارد، فرد صنفی» شناخته می شود. از سوی دیگر، «هر واحد اقتصادی که فعالیت آن در محل ثابت یا وسیله سیار باشد و توسط فرد یا افراد صنفی با اخذ پروانه کسب دایر شده باشد، واحد صنفی» شناخته می شود. آنچه مسلم است، در این قانون برای ایجاد و فعالیت کسب و کار صنفی (اصناف)، فرد صنفی بعد از انتخاب نوع حرفه، با مراجعه به اتحادیه مربوطه، از حداقل «پیش نیازهای» مختلف برای فعالیت در آن کسب و کار آگاه می شود. اقدام بعدی آماده نمودن پیش نیازهای سخت افزاری به خصوص محل کسب و کار و ابزار و ماشین آلات، جهت پیگیری دریافت پروانه کسب از مراجع صدور آن می باشد. در این ارتباط براساس ماده ۱۲ قانون نظام صنفی، افراد صنفی موظف شده اند، قبل از تأسیس هر نوع واحد صنفی یا اشتغال به کسب و حرفه، نسبت به اخذ پروانه کسب اقدام کنند. باتوجه به مقررات مصوب این قانون، اتحادیه های صنفی، اتاق های اصناف شهرستان ها، ادارات دولتی ذی ربط، شهرداری ها و سازمان های وابسته حسب مورد، مجاز به صدور پروانه کسب برای متقاضی می باشند. البته براساس ماده ۲۹ قانون موصوف مرجع صالح برای صدور پروانه کسب برای جانپازان، آزادگان و خانواده شهدا، وزارت صنعت، معدن و تجارت تعیین شده است.

کاهش چشمگیر متقاضیان مجوز کسب و کار

در هر حال موضوع رویه مصوب ایجاد و فعالیت فعالان صنفی در قانون نظام صنفی از ابعاد مختلف با مسایل و مشکلات ساختاری روبروست. هرچند در ۵۲ سال فعالیت واحدهای صنفی زیرمجموعه قانون نظام صنفی، الان بیش از سه میلیون و پانصد هزار بنگاه صنفی تولیدی، توزیعی، خدماتی و خدمات فنی در مناطق مختلف کشور دارای مجوز فعالیت هستند. اما در دو سه سال اخیر، فرآیند درخواست مجوز کسب برای ایجاد و یا تمدید فعالیت واحدهای صنفی با مشکلات گسترده ای روبرو شده است. چراکه رشد بی رویه نرخ تورم، موجب افزایش شدید قیمت املاک (به ویژه املاک تجاری، اداری و کارگاهی)، نرخ ارز و بسیاری دیگر از محصولات (ابزار و ماشین آلات مرتبط با کسب و کارهای مختلف تولیدی، توزیعی، خدماتی و خدمات فنی) شده است. همان گونه که اذعان گردید، برای دریافت مجوز کسب و کارهای صنفی، باید محل کسبی عموماً با کاربری تجاری تأمین (خرید و یا اجاره) کرد و سپس اقدام به پیگیری مراحل مختلف دریافت یا تمدید پروانه کسب واحد صنفی نمود. اما روند افزایش شدید قیمت املاک به خصوص املاک در مناطق تجاری، کارگاهی و اداری شهرها در چند سال گذشته، از ابعاد مختلف هزینه تأمین پیش نیازهای لازم برای متقاضیان دریافت مجوز کسب و شروع به فعالیت صنفی آنها را با مشکلات دوچندان همراه نموده است.

از جمله قوانین و مقررات شروع و فعالیت عمده کسب و کارها در ایران (کوچک و متوسط)، «قانون نظام صنفی» و آیین نامه های اجرایی آن است. این قانون در سال ۱۳۵۰، با کسب و کاری از کشورهای توسعه یافته، تدوین، تصویب و ابلاغ گردید. البته به مرور در بازنگری، ویرایش و اصلاح آن، عملاً لگوی مورد استفاده، کنار گذاشته و تقریباً مفاد شکل گیری و فعالیت کسب و کارها متفاوت از آنچه در کشورهای دیگر استفاده می گردد، شده است. براساس این قانون، افراد (حقیقی و حقوقی) با رعایت مقررات زیرمجموعه آن، باید اقدام به تقاضا برای دریافت مجوز (پروانه کسب) برای ایجاد کسب و کار و یا تمدید فعالیت آن پس از پایان دوره و زمان مجاز فعالیت، نمایند. در واقع هدف اصلی قانون گذار از تدوین، تصویب و ابلاغ این قانون و آیین نامه های اجرایی آن، ساده سازی رویه دریافت مجوز شکل گیری و فعالیت کسب و کارهای کوچک و متوسط در مناطق مختلف بوده است. اما در بازنگری این قانون و مقررات آن، کم کم اصول مرتبط با تسهیل کسب و کارها و توجه به پیش فرض های شکل گیری بازارهای رقابتی، کم رنگ شد. به گونه ای که در ویرایش آخر (۱۳۹۲) قانون نظام صنفی، عملاً تشکل صنفی هم متولی ارایه مجوز فعالیت و هم مسئول بازرسی و نظارت بر فعالان زیرمجموعه اتحادیه ها شده است.

شایان ذکر است از گذشته دور تشکل های صنفی مختلف کارفرمایی، کارگری، کارمندی، مصرف کنندگان و... در جهت پیگیری دو هدف عمده حمایت از منافع صنفی تکتک اعضا زیرمجموعه و ارایه مشاوره تخصصی به دولت های ملی و محلی ایجاد و فعالیت دارند. براین اساس هم ارایه مجوز صنفی تخصصی به افراد (حقیقی و حقوقی) در کشورهای توسعه یافته به تشکل های صنفی واگذار شده است. چراکه این تشکل ها شناخت و تخصص زیادی از فعالیت صنف مربوطه دارند، پس می توانند حداقل دانش عمومی و تخصصی برای فعالیت افراد در بازار کار صنف را مشخص کنند. اما در ایران، قانون و مقررات نظام صنفی با مشاوره از فعالان صنفی زیرمجموعه تشکل های صنفی و اعضای هیات مدیره تشکل صنفی، بازنگری شده و منافع فعالان صنفی در مفاد قانون نظام صنفی بر منافع مصرف کنندگان اولویت یافته است. به گونه ای که فرد صنفی متخصص، عملاً تبدیل به فرد صنفی دارای محل کسب و ابزار و ماشین آلات باتوجه به استانداردهای مصوب اتحادیه شده است. این اقدامات در طی سه دهه، موجب ایجاد موانع گسترده در شروع کسب و کار متقاضیان جدید فعالیت های صنفی در مناطق مختلف کشور شده است.

تغییرات تدریجی و تغییر ماهیت قانون نظام صنفی

در کل قانونی که برای رشد و توسعه کم هزینه و ارزان کسب و کارها در ایران، با استفاده از امکانات، توان، تجربه و تخصص تشکل های صنفی برای کمک و یاری نهادها و سازمان های متولی حاکمیتی در زمینه های مختلف، تهیه، تدوین، تصویب و ابلاغ گردیده است، به مرور از هدف اولیه به سمت ارایه مجوز فرد صنفی در محل کسب (عمدتاً املاک تجاری، اداری، کارگاهی و در مورد محدودی محل کسب سیار)، سوق داده شده است. به گونه ای که عملاً تشکل های صنفی مربوطه در بازار دخالت و اقدام به سوق دادن بازارها به سمت انحصار بیشتر می کنند.



تا علاوه بر افزایش عرضه فضای اقتصادی شهرها، موجب کاهش هزینه ایجاد کسب و کارهای کوچک، متوسط و بزرگ در شهرها و زمینه کاهش ترافیک و حمل و نقل بار و مسافر، کاهش آلودگی هوا، سر و صدا و... فراهم گردد. همچنین در کوتاهمدت شهرداری‌ها با کاهش هزینه تغییر کاربری املاک، زمینه افزایش عرضه فضای کسب و کارهای مختلف کوچک و متوسط را کاهش دهد. البته در حال حاضر شهرداری‌ها وابستگی گسترده و زیادی به هزینه تغییر کاربری املاک دارند و این بخش از درآمد شهرداری‌ها، ازجمله مهم‌ترین منابع تامین مالی آنها می‌باشد، که از نظر کارشناسان این وضعیت اشتباه است، لازم است، اصلاح شود. در نتیجه باید شهرداری‌ها به سمت دریافت عوارض جاری بابت فعالیت کسب و کارها مختلف هدایت شوند و هزینه تغییر کاربری املاک کاهش یابد.

۲- راه دیگر افزایش فضای کسب و کار در مناطق مختلف، تغییر پیش شرط ایجاد بنگاه صنفی است. از جمله امکان شروع فعالیت صنفی در املاک مسکونی در صورت عدم ایجاد مزاحمت برای ساکنان دیگر محل، فراهم باشد. مطالعه خاطرات عمده صاحبان کسب و کارهای بزرگ در جهان، نشان می‌دهد، این افراد ابتدا کسب و کارشان را در کاراز و یا زیرزمین محل سکونتشان شروع کرده‌اند. به مرور با موفقیت کسب و کار، محل بهتر و بزرگتری برای فعالیت تهیه نمودند. پس در ایران نیز چنین امکانی به خصوص در حال حاضر که قیمت املاک تجاری رشد شدیدی داشته، باید انجام پذیرد.

۳- در بیشتر کشورهای توسعه یافته، افراد(حقیقی و حقوقی) دارای سرمایه، اقدام به ساخت ساختمان‌های بزرگ استاندارد(باتوجه به نیاز کسب و کارهای مختلف کوچک و متوسط) می‌نمایند. سپس واحدهای مختلف محل کسب را به صاحبان ایده و فکر اقتصادی، اجازه یا باهم مشارکت می‌نمایند. این کار در ایران در حوزه مجتمع‌های تجاری بزرگ عمدتاً در خردهفروشی محصولات بصورت اجاره متداول است. اما باید در ساخت انواع مختلف فضای اداری، تجاری، کارگاهی و... در مناطق مختلف ایران نیز بصورت مشارکت با صاحبان ایده و کار باحمایت دولت، مورد توجه قرار گیرد. به گونه ای که افراد دارای طرح و ایده مناسب، در محل کسب و سرمایه، سرمایه‌گذار، باهم مشارکت و بنگاه کوچک و متوسط را ایجاد و فعالیت نمایند. استفاده از فضاهای حاشیه و حومه شهرها برای ایجاد این گونه محل کسب و کار آزان با کمک و مساعدت شهرداری‌ها و دولت بسیار مهم است. حتی باتوجه به امکانات گسترده دولت، می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب و طراحی درست، محل مناسب برای شروع کسب و کارهای مختلف(باتوجه به مزیت و پتانسیل شهرها و مناطق مختلف کشور) ایجاد کرد و با اجازه عادلانه این محل‌ها به متقاضیان دارای فکر و ایده، زمینه ایجاد کسب و کار جدید را فراهم کرد. در این زمینه باید ضوابط مناسب برای کمک به ایده‌های نوین و خلاقانه، تدوین و با توجه به آن، اطلاع رسانی کامل و شفاف به همه افراد متقاضی صورت پذیرد. باید توجه داشت که ایده و فکر خلاق در همه کشورها مورد حمایت دولت‌ها و بخش خصوصی قرار می‌گیرد. در کل باید رویه کلی کسب و کارها در کشور تغییر نماید و به سمت برقراری فضای رقابتی در چرخه اقتصادی فعالیت، حرکت نمود.

۴- پیشنهاد دیگر، گسترش کسب و کارهای سیار با استفاده از انواع ماشین‌الات مثل چرخ دستی، دوچرخه، موتورسیکلت، انواع خودرو سبک و سنگین است. در این زمینه می‌توان با کمترین هزینه محل کسب مناسب و حامی حقوق مصرف‌کنندگان تشکیل داد که دارای مزیت‌ها و کارکردها بسیار باشد که در زمان عادی در مناطق مختلف شهرها و روستاها فعالیت نمایند و در زمان وقوع حوادث غیرمترقبه برای استفاده جهت انجام امور لجستیک شهرها و مناطق دچار حادثه مورد استفاده قرار گیرند.

۵- برای افزایش فضای رقابتی در تولید و عرضه محصولات مختلف باید امکان حضور بنگاه‌های جدید که از روش‌های مطلوب و مناسب(و ویژه با خلاقیت و نوآوری) برای تولید محصولات بهتر استفاده می‌نمایند، میسر باشد. براین اساس هرگونه عامل بازدارنده افزایش رقابت از جمله موانع جلوگیری از شکل‌گیری و فعالیت کسب و کارها جدید به خصوص برای افراد تحصیل کرده در رشته‌های مرتبط با این فعالیت، باید حذف شود.

۶- لازم بذکر است اگرچه دولت باید شرایط ایجاد کسب و کارها را تسهیل نماید، اما انجام فعالیت در کسب و کار مربوطه، تنها توسط افرادی(حقیقی و حقوقی) مجاز است که به همه استانداردها به ویژه در کسب و کارهای مرتبط با سلامت و تغذیه، توجه داشته باشند. یعنی استانداردهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مختلف(دوبینی) توسط سازمان استاندارد کشور) مرتبط با تولید و عرضه محصولات مختلف در کسب و کار مربوطه، ازجمله ساختمان، ماشین‌آلات، فضای توقف خودرو مشتریان، امکانات بهداشتی، نیروی انسانی آموزش دیده و... همگی باید مورد توجه قرار گرفته و تأمین شده باشد. در این ارتباط باید توجه داشت که در فعالیت کسب و کار، نه تنها نباید سهل و آسان گرفت، بلکه در انجام آن، لازم است حتماً سخت‌گیری زیادی در رعایت بهداشت و اصول سلامت در همه فرایندهای تولید، نگهداری و عرضه محصولات(کالا و خدمات) بخوبی مدنظر قرار گیرد تا بنگاه‌ها برای موفقیت به سمت استفاده از نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده و کارآ سوز یابند.

بطوریکه امروزه تامین(خرید یا اجاره) محل کسب مناسب و تقاضا برای دریافت پروانه کسب جهت شروع فعالیت صنفی، نیازمند صرف مبالغ بسیار زیاد است که تامین آن، برای بیشتر متقاضیان و فعالان کسب و کار اصناف، میسر نمی‌باشد. بنابراین رشد گسترده نرخ تورم علاوه بر افزایش شدید هزینه فعالیت جاری کسب و کارهای صنفی در مناطق مختلف کشور، فرایند دریافت مجوز شروع و یا تمدید تداوم فعالیت اصناف را هم بسیار پرهزینه و گران‌قیمت نموده است. به‌گونه‌ای که برای بیشتر افراد صنفی، پیگیری شروع و یا تمدید پروانه کسب در شرایط فعلی امکانپذیر نمی‌باشد. در این بین برخی اصناف، برای دریافت مجوز اقدامی نمی‌نمایند، یا مجبور به تغییر محل کسب به محلی کوچکتر به خصوص در حاشیه شهرها و دور از بازارهای اصلی و حتی فرعی شهرها شدند. اما برخی واحدها به مرور اقدام به تعطیلی کسب و کارشان می‌نمایند. البته علاوه بر دشواری تهیه محل کسب برای افراد صنفی، رشد تورم بر قیمت ابزار و ماشین‌الات و مواد اولیه، به خصوص برای اصناف تولیدی و خدمات فنی نیز تأثیر گذاشته است. در نهایت در فرایند ایجاد و فعالیت اصناف، سمت عرضه این بخش از اقتصاد کشور، روزبروز همراه با رشد تورم، پرهزینه و محدودتر شده و در نتیجه کاهش تعداد فعالان صنفی، هزینه‌های فعالیت اصناف در تامین و عرضه محصولات افزایش یافته است. بدین ترتیب، این مشکل تبعات گسترده‌ای برای فعالان اقتصادی، عموم مردم بعنوان مصرف‌کنندگان کالا و خدمات و حتی دولت به واسطه کاهش اشتغال و در نتیجه کاهش مالیات و عوارض دریافتی داشته است.

رشد گسترده نرخ تورم علاوه بر افزایش شدید هزینه فعالیت جاری کسب و کارهای صنفی در مناطق مختلف کشور، فرایند دریافت مجوز شروع و یا تمدید تداوم فعالیت اصناف را هم بسیار پرهزینه و گران‌قیمت نموده است. به گونه‌ای که برای بیشتر افراد صنفی، پیگیری شروع و یا تمدید پروانه کسب در شرایط فعلی امکانپذیر نمی‌باشد. در این بین برخی اصناف، برای دریافت مجوز اقدامی نمی‌نمایند، یا مجبور به تغییر محل کسب به محلی کوچکتر به خصوص در حاشیه شهرها و دور از بازارهای اصلی و حتی فرعی شهرها شدند. اما برخی واحدها به مرور اقدام به تعطیلی کسب و کارشان می‌نمایند.

لرزم کاهش هزینه فعالیت اصناف از طریق اصلاح زنجیره تامین

آنچه مسلم است، اقتصاد ایران در شرایط وخیمی با تشدید فشارهای تحریم و کاهش درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت قرار گرفته و نتیجه چنین مشکلاتی موجب کاهش درآمدهای دولت، کاهش هزینه های جاری و عمرانی و عملاً کاهش حجم اقتصاد کشور شده است. در این بین برخی اقدامات اشتباه در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی کشور موجب شده که با افزایش محدودیت واردات برخی محصولات و یا افزایش قیمت محصولات در بازارهای داخلی، عملاً امکان افزایش متقاضیان فعالیت در فرایندهای مختلف زنجیره تامین(تولید و واردات) و عرضه محصولات بیشتر نشود(بازارهای انحصاری). حتی برخی تشکلهای صنفی با گسترش موانع غیراصولی، موجب افزایش شدید هزینه‌های شروع برای متقاضیان جدید فعالیت‌های اقتصادی کشور به ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط شده‌اند. در نتیجه لازم است اصلاحاتی برای بهبود زنجیره تامین و عرضه محصولات به خصوص فعالیت‌های واحدهای کوچک و متوسط در کشور صورت پذیرد. در این راستا باید اقداماتی انجام گیرد که روند ایجاد و فعالیت اصناف تسهیل شود و بنوعی هزینه‌های مختلف به خصوص هزینه ثابت ایجاد و گسترش فعالیت کسب و کارهای اصناف کمتر و کمتر شوند.

چند پیشنهاد برای کاهش هزینه های تحمیلی تورم بر اصناف

۱- ازجمله مهم‌ترین هزینه‌های برای فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در شهرهای مختلف ایران، هزینه تامین(خرید یا اجاره) محل کسب و کار است. متولی مرتبط با رشد و توسعه فضای مسکونی، تجاری، اداری، کارگاهی و... شهرها، شهرداری‌ها هستند. در نتیجه شهرداری‌ها می‌توانند با مطالعه و برنامه‌ریزی مناسب، به‌خصوص استفاده از تجربه شهرداری‌ها در این ارتباط در کشورهای دیگر، زمینه گسترش فضاهای تجاری، اداری، نمایشگاهی و کارگاهی را در شهرها را ایجاد نمایند. متأسفانه در سال‌های پس از انقلاب هم‌سو با افزایش فضای مسکونی در شهرها، سایر فضاهای شهری همچون فضای تجاری، اداری، کارگاهی، نمایشگاهی و... در عمده شهرهای بزرگ کشور افزایش نیافته است. براین اساس لازم است به این موضوع مهم توجه و فضای مختلف شهرها بصورت متوازن و مناسب بازنگری شوند. در این ارتباط باید در شهر بزرگ تهران، اقداماتی برای توسعه فضای تجاری، کارگاهی و اداری در همه مناطق شهر صورت پذیرد. چراکه همچنان در شهر تهران بازار اصلی و بیشتر بازارهای محلی مربوط به گذشته (حداقل بیش از صدسال) هستند و بازارهای ساخته شده در ۵۰ سال گذشته نیز عمدتاً بصورت غیرعلمی و غیراستاندارد در مناطق مسکونی با مزاحمت فراوان برای شهر و شهروندان با آلودگی هوا، ترافیک و سر و صدا و... ایجاد شده است.

درحالی‌که باید همزمان با رشد و توسعه اقتصادی بازارهای کشوری، استانی، شهری، منطقه‌ای، محلی و... بصورت عمومی و تخصصی برای کسب و کارهای مختلف برنامه‌ریزی و ایجاد شوند.





با توجه به زیرگروه های موثر بر تورم؛

سهم هر کدام از وزارتخانه ها در رشد تورم به چه میزان بوده است؟

احمد تشکینی (دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)
سمیه نعمت الهی (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

تحلیل روند تورم و زیرگروه های آن طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۱ نشان می دهد که از متوسط تورم ۲۴٫۱ درصدی طی این دوره؛ گروه «خوراکی ها» ۸٫۰۴ واحد درصد، «مسکن» ۵٫۲۷ واحد درصد و «حمل و نقل» ۲٫۷ واحد درصد از تورم (مجموعاً ۱۶ واحد درصد) را به خود اختصاص داده اند. شایان ذکر است سه گروه مذکور (خوراکی ها، مسکن و حمل و نقل) سهم حدود ۶۷ درصدی از تورم را دارند.

نکات کلیدی:

۱. عوامل موثر بر اقتصاد ایران شامل نقدینگی و نرخ ارز می باشند که عمدتاً در حیطه وظایف بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار دارند. این دو متغیر دارای سهم مسلط حدود ۹۰ درصدی از تورم در اقتصاد ایران می باشند.

۲. زیرگروه های اصلی با سهم بالا در تورم طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۱ شامل زیرگروه های «خوراکی ها» و «مسکن» و «حمل و نقل» با مجموع سهم حدود ۶۷ درصد می باشند. این زیرگروه ها در ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۰ نیز سهم حدود ۷۲ درصدی از تورم کل را به خود اختصاص داده اند.

۳. بالاترین سهم از تورم در دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۱ مربوط به خوراکی ها، مسکن و حمل و نقل بوده است که عمدتاً مرتبط با عملکرد وزارتخانه های جهاد کشاورزی و راه و شهرسازی می باشد. این دو وزارتخانه سهمی حدود ۶۷ درصد را دارا می باشند.

سه پرسش اساسی در خصوص تورم اقتصاد ایران قابل طرح است: اول آنکه عوامل اصلی ایجاد تورم کدامند؟ سهم هر یک چه میزان است؟ و کنترل آن برعهده کدام نهاد است؟ دوم آنکه زیرگروه های اصلی موثر بر تورم کدامند؟ سوم آنکه پلحاظ کارکردی زیرگروه های اصلی تورم مرتبط با فعالیت کدام وزارتخانه ها است؟

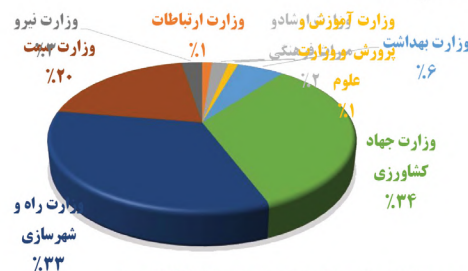
در پاسخ به سوال اول: بررسی روند تاریخی طی دهه های اخیر نشان می دهد سه عامل اصلی ایجاد تورم در اقتصاد ایران شامل رشد نقدینگی، نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی می باشد بگونه ای که هر درصد ۱۰ درصد افزایش نقدینگی، نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی به ترتیب ۵، ۴ و ۵- درصد تورم ایجاد خواهد کرد (براساس ضرایب جدول ۱). از زوایه دیگر می توان بیان داشت از متوسط تورم ۲۴٫۱ درصدی در دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۱ حدود ۵۵ درصد آن ناشی از نقدینگی و ۳۵ درصد آن ناشی از نرخ ارز می باشد. بنابراین دلایل اصلی تورم در اقتصاد ایران را باید در رشد نقدینگی و رشد نرخ ارز جستجو کرد.

نهادهای متولی	سهم از تورم کل (درصد)	ضریب تأثیر بر تورم	نقدینگی
بانک مرکزی	۵۵	۰٫۵	
بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی	۳۵	۰٫۴	نرخ ارز
وزارت راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی، صمت و ...	-۴	-۰٫۵	تولید ناخالص داخلی
-	۱۴	-	سایر عوامل

در پاسخ به سوال دوم: تحلیل روند تورم و زیرگروه های آن طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۱ نشان می دهد که از متوسط تورم ۲۴٫۱ درصدی طی این دوره؛ گروه «خوراکی ها» ۸٫۰۴ واحد درصد، «مسکن» ۵٫۲۷ واحد درصد و «حمل و نقل» ۲٫۷ واحد درصد از تورم (مجموعاً ۱۶ واحد درصد) را به خود اختصاص داده اند. شایان ذکر است سه گروه مذکور (خوراکی ها، مسکن و حمل و نقل) سهم حدود ۶۷ درصدی از تورم را دارند.

بررسی سهم زیرگروه های اصلی از تورم کل شش ماه اول سال ۱۴۰۱ براساس جدول (۲) نیز نشان می دهد: اول آنکه گروه خوراکی ها و آشامیدنی ها ۲۰٫۲ واحد درصد از تورم ۴۲٫۱ درصدی را به خود اختصاص داده اند (در میان اقلام خوراکی ها و آشامیدنی ها، نان و غلات با سهم ۴۶ واحد درصدی و گوشت قرمز با سهم ۳٫۵ واحد درصدی بیشترین سهم را در تورم این گروه داشته اند). در رتبه های بعدی گروه های «مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت ها» و «حمل و نقل» به ترتیب با سهم ۷٫۲ و ۴٫۲ واحد درصدی از تورم ۴۲٫۱ درصدی قرار دارند. در مجموع سه زیرگروه «خوراکی ها»، «مسکن» و «حمل و نقل» در شش ماه نخست سال ۱۴۰۱ سهم ۳۰٫۴ واحد درصدی از تورم ۴۲٫۱ درصدی را به خود اختصاص داده اند (حدود ۷۲ درصد از تورم کل در شش ماهه اول مربوط به این سه گروه بوده است).

در پاسخ به سوال سوم: باید توجه داشت که در دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۱ بیشترین تورم مرتبط با سه گروه خوراکی ها، مسکن و حمل و نقل بوده است؛ که عمدتاً مرتبط با وزارتخانه های جهاد کشاورزی و راه و شهرسازی می باشند. طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۱ همانطور که در نمودار (۱) نشان داده شده است، از تورم ۱۰۰ درصدی به طور متوسط وزارت جهاد کشاورزی سهم ۳۴ درصدی، وزارت راه و شهرسازی سهم ۳۳ درصدی و وزارت صمت سهم ۲۰ درصدی را از تورم کل به خود اختصاص داده اند.



نمودار ۱- سهم وزارتخانه های مختلف از تورم دوره ۱۳۹۱-۱۴۰۰ (درصد)



جداول سهم کالاها و دستگاه ها از تورم

خلاصه نتایج

عوامل اصلی (و سهم از تورم)	نهاد متولی	زیر گروه های اصلی موثر بر تورم طی ۱۰ سال	نهاد متولی (وزارتخانه بخشی)
رشد نقدینگی (۵۵٪)	بانک مرکزی	خوراکی ها (۳۴٪)	وزارت جهاد کشاورزی
رشد نرخ ارز (۳۵٪)	وزارت امور اقتصادی و دارایی	مسکن (۲۲٪)	وزارت راه و شهرسازی
		حمل و نقل (۱۱٪)	
مجموع سهم ۹۰ درصد	—	مجموع سهم ۶۷ درصد	—

▼ جدول ۲: سهم از تورم زیر گروه های مختلف از تورم کل کشور و وزارتخانه های متولی (واحد درصد)

زیر گروه های اصلی و فرعی	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	متوسط ۱۳۹۱-۱۴۰۰	۱۴۰۱ ماه ۶	وزارتخانه متولی
تورم کل	29.5	32.8	14.6	11.1	6.9	8.2	26.9	34.8	36.4	40.2	24.14	42.1	
۱- خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات	10.7	11.6	2.7	2.7	2.0	3.3	10.8	13.1	12.7	17.1	8.67	20.5	وزارت جهاد و صمت
خوراکی ها و آشامیدنی ها	۱۰.۴	۱۱.۳	2.7	2.6	2.0	3.3	10.2	12.8	12.4	16.7	8.44	20.2	
خوراکی ها	۹.۹	۱۰.۸	۲.۶	۲.۶	۱.۹	۳.۲	۹.۷	۱۲.۱	۱۱.۷	۱۵.۹	۸.04	۱۹.6	وزارت جهاد کشاورزی
آشامیدنی ها	۰.۴	۰.۵	۰.۱	۰.۱	۰.۱	۰.۵	۰.۷	۰.۷	۰.۷	۰.۷	۰.۴	0.6	وزارت صمت
۲- دخانیات	۰.۳	۰.۳	۰.۰	۰.۰	۰.۱	۰.۰	۰.۶	۰.۳	۰.۳	۰.۳	۰.22	0.3	وزارت صمت
۳- پوشاک و کفش	۱.۵	۱.۹	۰.۸	۰.۴	۰.۳	۰.۳	۱.۴	۲.۱	۲.۰	۲.۰	۱.34	2.7	وزارت صمت
۴- مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت ها	۷.۳	۶.۱	۵.۰	۲.۲	۲.۶	۲.۶	۵.۹	۷.۷	۷.۵	۷.۵	5.89	7.2	وزارت راه و شهرسازی
مسکن	۶.۶	۷.۴	۵.۳	۳.۶	۱.۶	۲.۱	۵.۷	۶.۶	۷.۲	۶.۶	5.27	6.6	وزارت راه و شهرسازی
اجاره	۶.۵	۷.۲	۵.۲	۳.۵	۱.۵	۲.۱	۵.۶	۶.۵	۶.۵	۶.۵	5.16	6.4	وزارت راه و شهرسازی
خدمات نگهداری و تعمیر واحد مسکونی	۰.۱	۰.۱	۰.۱	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۱	۰.۱	۰.۱	۰.۱	0.08	0.2	وزارت راه و شهرسازی
آب، برق و سوخت	۰.۸	۰.۴	۰.۸	۱.۱	۰.۵	۰.۵	۰.۲	۱.۱	۰.۳	۰.۳	0.64	0.6	وزارت نیرو
۵- میلمان و لوازم خانگی و نگهداری آنها	۱.۴	۱.۸	۰.۵	۰.۳	۰.۲	۰.۲	۱.۶	۱.۶	۲.۱	۲.۲	1.27	1.9	وزارت صمت
۶- بهداشت و درمان	۱.۴	۲.۴	۱.۳	۱.۰	۰.۶	۰.۵	۱.۲	۱.۷	۱.۸	۲.2	1.41	2.1	وزارت بهداشت
۷- حمل و نقل	۲.۱	۳.۰	۲.۱	۱.۰	۰.۵	۰.۵	۲.۵	۴.۳	۶.۵	۶.۵	2.7	4.2	وزارت راه و شهرسازی
۸- ارتباطات	۰.۴	۰.۵	۰.۲	۰.۱	۰.۰	۰.۱	۰.۶	۰.۴	۰.۴	۰.۴	0.28	0.1	وزارت ارتباطات
۹- تفریح و فرهنگ	۰.۵	۰.۶	۰.۳	۰.۲	۰.۱	۰.۱	۰.۷	۰.۸	۰.۸	۰.۸	0.49	0.7	وزارت ارشاد و میراث فرهنگی
۱۰- آموزش	۰.۲	۰.۳	۰.۳	۰.۳	۰.۲	۰.۳	۰.۴	۰.۳	۰.۳	۰.۳	0.29	0.4	وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم
۱۱- هتل و رستوران	۰.۴	۰.۵	۰.۲	۰.۲	۰.۱	۰.۱	۰.۳	۰.۵	۰.۴	۰.۴	0.35	1.1	وزارت صمت
۱۲- کالاها و خدمات متفرقه	۱.۹	۱.۱	۰.۴	۰.۳	۰.۴	۰.۳	۱.۴	۱.۶	۱.۷	۱.۹	1.1	1.6	وزارت صمت
سهم از رشد سه گروه عمده	18.7	21.1	9.9	7.1	3.9	5.8	17.9	23.0	25.4	27.0	۱۶.۰۱	۳۰.۴	

ماخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات تحقیق

خلاصه نتایج

عوامل اصلی (و سهم از تورم)	نهاد متولی	زیر گروه های اصلی موثر بر تورم طی ۱۰ سال	نهاد متولی (وزارتخانه بخشی)
رشد نقدینگی (۵۵٪)	بانک مرکزی	خوراکی ها (۳۴٪)	وزارت جهاد کشاورزی
رشد نرخ ارز (۳۵٪)	وزارت امور اقتصادی و دارایی	مسکن (۲۲٪)	وزارت راه و شهرسازی
		حمل و نقل (۱۱٪)	
مجموع سهم ۹۰ درصد	—	مجموع سهم ۶۷ درصد	—

▼ جدول ۳: سهم زیر گروه های اصلی و فرعی از تورم (درصد)

1400	1399	1398	1397	1396	1395	1394	1393	۱۳۹۲	۱۳۹۱	زیر گروه های اصلی و فرعی
42.5	34.9	37.6	40.1	40.2	29.0	24.3	18.5	35.4	36.3	۱- خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات
41.5	34.1	36.8	37.9	40.2	29.0	23.4	18.5	34.5	35.3	خوراکی ها و آشامیدنی ها
39.6	32.1	34.8	36.1	39.0	27.5	23.4	17.8	32.9	33.6	خوراکی ها
2.2	1.9	2.0	1.9	1.2	1.4	0.9	0.7	1.5	1.4	آشامیدنی ها
0.7	0.8	0.9	2.2	0.0	1.4	0.0	0.0	0.9	1.0	۲- دخانیات
6.7	5.5	6.0	5.2	3.7	4.3	3.6	5.5	5.8	5.1	۳- پوشاک و کفش
18.2	20.6	22.1	21.9	31.7	31.9	45.0	41.8	22.3	24.7	۴- مسکن ، آب ، برق ، گاز و سایر سوخت ها
16.4	19.8	19.0	21.2	25.6	23.2	32.4	36.3	22.6	22.4	مسکن
16.2	19.2	18.7	20.8	25.6	21.7	31.5	35.6	22.0	22.0	اجاره
0.5	0.3	0.3	0.4	0.0	0.0	0.0	0.7	0.3	0.3	خدمات نگهداری و تعمیر واحد مسکونی (خدمات)
1.7	0.8	3.2	0.7	6.1	7.2	9.9	5.5	1.2	2.7	آب ، برق و سوخت
6.0	6.0	6.0	5.9	2.4	2.9	2.7	3.4	5.5	4.7	۵- میلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آنها
5.5	4.9	4.9	4.5	6.1	8.7	9.0	8.9	7.3	4.7	۶- بهداشت و درمان
11.2	17.9	12.4	9.3	6.1	7.2	9.0	14.4	9.1	7.1	۷- حمل و نقل
0.2	1.1	1.1	2.2	1.2	0.0	0.9	1.4	1.5	1.4	۸- ارتباطات
2.0	2.2	2.3	2.6	1.2	1.4	1.8	2.1	1.8	1.7	۹- تفریح و فرهنگ
1.0	0.8	1.1	1.1	2.4	2.9	2.7	2.1	0.9	0.7	۱۰- آموزش
2.0	1.1	1.4	1.1	1.2	1.4	1.8	1.4	1.5	1.4	۱۱- هتل و رستوران
4.7	4.7	4.6	5.2	3.7	5.8	2.7	2.7	3.4	6.4	۱۲- کالاها و خدمات متفرقه
67.2	69.8	66.1	66.5	70.7	56.5	64.0	67.8	64.3	63.4	سهم از رشد سه گروه عمده



مواردی که باید در کنترل تورم مورد توجه قرار گیرد

ضرایب اهمیت کالا و خدمات در سبد مصرفی خانوار

رضا احمدی (پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

مقدمه

برخی از سیاست‌گذاران تصور می‌کنند که وقتی قانونی تصویب می‌شود و یا سیاستی توسط قوه مجریه سازماندهی می‌شود، تمامی اهداف مدنظر محقق می‌شود. متأسفانه، این فرضیات همیشه درست نیستند. تجارب تصویب قوانین و اجرای سیاست‌های گذشته، نشان‌دهنده ضرورت توجه به ارزیابی دقیق تأثیر واقعی سیاست‌های اجرا شده توسط دولت‌هاست.

آیا دولت‌ها واقعاً درک صحیح و جامعی از آثار و تبعات تصمیمات خود دارند؟ عموماً پاسخ این سؤال خیر است. دولت‌ها معمولاً می‌دانند چقدر بودجه هزینه می‌کنند؛ به چند نفر خدمات مختلف داده می‌شود و هزینه این خدمات چقدر است. اما حتی اگر دولت‌ها بتوانند برنامه‌ها و سیاست‌های خود را به‌خوبی سازمان‌دهی کنند، به‌سختی می‌توانند از تأثیرات (فوری/بلندمدت یا مثبت/منفی) برنامه‌های خود بر روی جامعه آگاهی یابند. بنابراین، ارزیابی خط مشی، یکی از مهم‌ترین گام‌ها در فرایند خط‌مشی‌گذاری است که به‌منظور ارزیابی میزان موفقیت یک سیاست و قضاوت درباره تأثیر خط‌مشی‌ها یا برنامه‌های دولت صورت می‌گیرد.



ضریب اهمیت کالا و خدمات

ضریب اهمیت کالا یا خدمت، نشان‌دهنده اهمیت نسبی کالاها و خدمات است که با سهم آنها در کل مصرف خانوارها، اندازه‌گیری می‌شود. ضریب اهمیتی که به هر کالا یا خدمت تعلق می‌گیرد، تأثیری را که تغییر قیمت آن بر شاخص کل خواهد داشت، تعیین می‌کند. در عمل، ضرایب اهمیت معمولاً به مخارج کالاها و خدمات مصرفی توسط خانوارها اشاره دارد که از استفاده واقعی آن کالاها و خدمات برای برآوردن نیازها و خواسته‌های خانوارها متمایز است.

ضرورت توجه به ضریب اهمیت کالا و خدمات در سیاست‌گذاری

اگرچه شاخص قیمت مصرف‌کننده می‌تواند میزان افزایش قیمت (نرخ تورم) در گروه‌های کالایی مختلف را به‌خوبی نشان دهد اما نمی‌تواند مبنای بسیار خوبی برای ارزیابی سیاست و در نتیجه تصمیم‌گیری قرار گیرد. برای آنکه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان بتوانند ارزیابی دقیقی از آثار تورمی اجرای سیاست‌های خود داشته باشند، بایستی در کنار توجه به شاخص قیمت مصرف‌کننده، به ضرایب اهمیت گروه‌های کالایی مختلف نیز توجه کنند.

ضرایب اهمیت، ترکیب سبد مصرفی خانوار را به تفکیک گروه‌های کالایی مختلف مشخص می‌کنند. به عبارت دیگر، در صورتی که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در کنار استفاده از شاخص قیمت مصرف‌کننده از ضرایب اهمیت گروه‌های کالایی مختلف استفاده نمایند، می‌توانند تصویر صحیح‌تری از آثار تورمی اجرای سیاست‌های خود داشته باشند. به عنوان مثال در صورتی که سیاست‌گذاران صرفاً به شاخص قیمت مصرف‌کننده برای ارزیابی آثار اجرای سیاست‌های خود توجه کنند، تصمیمات خود را به‌منظور کنترل و تنظیم بازار به سمت گروه‌های کالایی خواهند برد که بیشترین افزایش قیمت را داشته است.

ضرایب اهمیت، ترکیب سبد مصرفی خانوار را به تفکیک گروه‌های کالایی مختلف مشخص می‌کند. به عبارت دیگر در صورتی که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در کنار استفاده از شاخص قیمت مصرف‌کننده از ضرایب اهمیت گروه‌های کالایی مختلف استفاده نمایند، می‌توانند تصویر صحیح‌تری از آثار تورمی اجرای سیاست‌های خود داشته باشند.

خطای این نوع ارزیابی زمانی خود را نشان می‌دهند که گروه‌های کالایی مدنظر سیاست‌گذاران ضریب اهمیت کمی در میان گروه‌های کالایی مختلف داشته باشند. براین اساس تمرکز و توجه سیاست‌گذاران به سمت تنظیم و مدیریت کالاهایی خواهد رفت که تأثیر چندانی در سبد مصرفی خانوار نخواهد داشت؛ به عبارت دیگر، گروه‌های کالایی که از اهمیت بالایی برخوردارند و تغییرات اندک در شاخص قیمت این گروه‌های کالایی می‌تواند تأثیرات بسیار زیادی بر خانوار داشته باشد، عملاً از حوزه تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران خارج می‌شود. بنابراین به‌منظور مهار صحیح تورم و سیاست‌گذاری درست در این حوزه، سیاست‌گذاران بایستی از این شاخص به درستی استفاده نمایند.





کسری بودجه دولت ها، همواره منشأ تورم در کشور بوده است

یکی از اشتباه های مهلکی که دولت مرتکب آن شده بود بحث اعطای وام به مصرف کنندگان بود. زمانی این سیاست کارایی دارد که مشکل طرف تقاضا باشد و به اندازه کافی کالا در طرف تولید وجود دارد. در حالی که در سالهای تحریم، عمده مشکل کشور طرف عرضه بوده و کمبود مواد اولیه و افزایش نرخ ارز به آن دامن می زد



اشاره:

موضوع افزایش تورم و فشار آن بر اقشار مختلف جامعه، تبدیل به یکی از مسائل و چالش های جدی کشور شده است؛ بطوریکه امسال از سوی رهبر معظم انقلاب، سال «مهار تورم، رشد تولید» نامگذاری شده است. تورم واقعی در اقتصاد ایران طی سنوات اخیر چقدر بوده است؟ این میزان تورم از کجا ناشی می شود و از همه مهمتر اینکه چگونه می شود به کنترل و مهار آن مبادرت ورزید؟ این پرسش ها را با دکتر حسن ولی بیگی استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی در میان گذاشته ایم:

در شروع گفتگو بفرمایید که اساساً مفهوم تورم یعنی چه و چه چیز را نشان می دهد؟

تورم به معنای افزایش سطح عمومی قیمتها، نشانگر میزان افزایش هزینه خرید کالاها و خدمات در دوره معین است و به نوعی کاهش قدرت خرید واقعی مصرف کنندگان را به تصویر می کشد. به جهت آثار و تبعات منفی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از اولیتهای اقتصادی دولت ها بشمار می رود. تورم ضمن کاهش قدرت خرید مصرف کنندگان و شوک به طرف تقاضای اقتصاد، باعث نااطمینانی در حوزه تولید و سرمایه گذاری شده و طرف عرضه اقتصاد را نیز با اخلال مواجه می کند.

تورم در سال گذشته چقدر بوده و در مقایسه با روند بلندمدت وضعیت چگونه است؟

نگاهی به روند تورم نشان می دهد که اقتصاد کشور در طول چهار دهه گذشته با تورم بالا و مزمن مواجه بوده است. هرچند نرخ تورم در برخی مقاطع حتی به زیر ده درصد نیز کاهش یافته است؛ لیکن تورم سالانه در بلندمدت تا قبل از سال ۱۳۹۷ که حدود ۲۰ درصد بوده در پنج سال اخیر سطح بالاتری را تجربه کرده است. تورم سالانه در دهه ۹۰ (۲۲،۳ درصد) نیز حتی بالاتر از میانگین بلندمدت سالهای قبل بوده است و این در حالی است که در پنج سال اخیر تورم با متوسط ۳۷ درصد به سطح بالاتر انتقال یافته است. تورم سالانه در سال ۱۴۰۱، ۴۶،۵ درصدی تجربه شده است که از متوسط پنج سال گذشته و دهه نود (بیش از دو برابر) نیز بالاتر بوده است.

به نظر شما ریشه های تورم در اقتصاد ایران کدامند؟

قبل از اینکه وارد ریشه های تورم در اقتصاد ایران بشویم اجازه می خواهم در مورد علل بوجود آمدن تورم در ادبیات اقتصادی قدری صحبت کنیم. بر اساس ادبیات موجود در اقتصاد کلان منشأ تورم در اقتصادها از سه ناحیه می تواند اتفاق بیافتد:

تورم ناشی از فشار تقاضا (اضافه تقاضا نسبت به عرضه اقتصاد)، تورم ناشی از فشار هزینه (افزایش قیمتها نهادهای تولید، انرژی و ...) و تورم ناشی از انتظارات تورم (آحاد جامعه انتظار دارند تورم بالا و کنونی در ماههای بعد تداوم یابد و لذا خریدهای خود را به جلو می اندازند).

شاید بتوان این تقسیم بندی را داشت که تا سالهای قبل از ۱۳۹۰ که تحریم ها با این شدت بر اقتصاد کشور تحمیل نشده بود، تورم مزمن و بالا (حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد) در اقتصاد کشور عمدتاً ناشی از فشار تقاضا (از جمله کسری بودجه دولت) بوده است. بدین ترتیب که کسری بودجه و تامین مالی آن از طریق بانک مرکزی باعث افزایش نقدینگی شده و به تبع افزایش تقاضای کل در جامعه، تورم حادث می شود. در صورت انتشار اوراق و فروش آن به بانکهای تجاری (منجر به استقراض این بانکها از بانک مرکزی می شود) نیز باعث استقراض بانکها از بانک مرکزی شده و داستان افزایش نقدینگی و تورم تکرار می شود. البته داستان به اینجا ختم نمی شود؛ افزایش تورم، مخارج دولت را افزایش می دهد و کسری بودجه را تشدید می کند.

از ابتدای دهه ۱۳۹۰ علاوه بر فشار تقاضا، فشار هزینه و تورم انتظاری را نیز باید به ریشه های تورم در کشور اضافه کرد. محرک اصلی فشار هزینه، نرخ ارز و تورم انتظاری در جانب تولیدکنندگان بود. در دهه ۱۳۸۰ که درآمدهای سرشار نفتی به یمن قیمت بالای نفت نصیب کشور شده بود، با سیاست ارز پاشی و اهرم کردن نرخ ارز، از تورم بالا در کشور جلوگیری شد. با شروع دهه ۱۳۹۰ و آغاز تحریم های بین المللی و به تدریج رسیدن ذخایر ارزی کشور، فئری ارزی که در دهه ۱۳۸۰ جمع شده بود باز شد و نرخ ارز از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا خرداد ۱۳۹۲ تقریباً ۳،۵ برابر شد. افزایش نرخ ارز هزینه های وارداتی تولید را بشدت افزایش داد. تورم انتظاری چه از جانب تولیدکنندگان (به جلو انداختن خرید نهاده ها) و چه مصرف کنندگان در تحریک نرخ ارز و هم فشار بر بازار کالا در بوجود آمدن تورم سالهای ابتدایی نقش داشت. در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ تورم سالانه در کشور به ترتیب به ۳۸،۱ و ۱۹،۶ درصد رسید.





با این توضیحی که در خصوص ریشه ها و علل تورم طی سنوات قبل اشاره فرمودید، به نظر شما هم اکنون چه سیاستهایی باید اعمال کرد تا تورم در کشور فروکش نماید؟

این یک سوال کلی است که نیازمند بحث بیشتر است اما فهرست وار می توان اشاره کرد

اهم سیاستهایی که در تقلیل تورم در کشور موثر هستند عبارتند از:

- ۱- رفع تحریم های ظالمانه در جهت کاهش هزینه مبادلاتی و بهبود تعاملات خارجی
- ۲- سیاستگذاری مناسب، استفاده از ابزارهای مناسب و بکارگیری به موقع
- ۳- انضباط مالی و کاهش کسری بودجه دولت از طریق:
 - کاهش هزینه ها نظیر واگذاری طرح های نیمه تمام و واگذاری سهام شرکت های دولتی، اصلاح نظام مالیاتی کشور (پایه مالیات، فرارهای مالیاتی و معافیتها)
- ۴- نظارت بیشتر بر عملکرد بانکها و جلوگیری از خلق پول و خروج بانکها از بنگاه داری
- ۵- تقویت بازار سرمایه و استفاده از ظرفیتهای آن جهت سرمایه گذاری
- ۶- سیاست پولی فعال و استفاده از ابزارهای مناسب در جهت کنترل انتظارات تورمی

در سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ به دلیل مشکل ساختاری و مزمن اقتصاد ایران ماشین تولید نقدینگی به دلیل کسری بودجه دولت همچون گذشته کار می کرد؛ بر خلاف انتظار، تورم روند کاهنده ای داشت که علت آنرا باید در وجود فضای کسب و کار مناسبتر، عدم وجود انتظارات تورمی و به تبع بازار ارز آرام جستجو کرد. نقدینگی موجود در این سالها به دلیل نرخ سود بالاتر از تورم در بانکهای کشور آرمید و به مانند اژدهایی خفته، سر بر بالین داشت.

از اواسط سال ۱۳۹۶ و با زمزمه های خروج آمریکا از برجام که نهایتا در اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ به وقوع پیوست، نقدینگی از بانکهای کشور خارج و وارد بازار کالاها، ارز، سکه و ... شدند. نرخ ارز که در نیمه دوم سال ۱۳۹۶ از ۳۸۰۰ تومان به ۵۰۰۰ تومان رسیده بود در سال ۱۳۹۷ جهش ۱۶۰ درصدی داشت. با این شوک ارزی، مجددا فشار هزینه و تورم انتظاری جهت افزایش تورم فعال شدند. بهر حال این تغییرات با اندکی بالا و پایین تا امروز ادامه دارد.

اگر بخواهم جمع بندی داشته باشم میتوانیم بگوییم که کسری بودجه دولت همواره منشا تورم در کشور بوده و در دوره های جهش نرخ ارز، فشار هزینه و تورم انتظاری نیز برای تحریک تورم فعال بوده است. به نظر بنده یکی از اشتباه های مهلکی که دولت مرتکب آن شده بود بحث اعطای وام به مصرف کنندگان بود. زمانی این سیاست کارایی دارد که مشکل طرف تقاضا باشد و به اندازه کافی کالا در طرف تولید وجود دارد. در حالی که در سالهای تحریم، عمده مشکل کشور طرف عرضه بوده و کمبود مواد اولیه و افزایش نرخ ارز به آن دامن می زد (کمبود عرضه). دولت بر خلاف انتظار با اعطای تسهیلات تقاضا را بیش از گذشته تحریک کرده (شکاف بیشتر تقاضا از عرضه) و موجبات تورم بیشتر را فراهم می کرد.



تورم سالانه در دهه ۹۰ (۲۲,۳ درصد) نیز حتی بالاتر از میانگین بلندمدت سالهای قبل بوده است و این در حالی است که در پنج سال اخیر تورم با متوسط ۳۷ درصد به سطح بالاتر انتقال یافته است. تورم سالانه در سال ۱۴۰۱، ۴۶,۵ درصدی تجربه شده است که از متوسط پنج سال گذشته و دهه نود (بیش از دو برابر) نیز بالاتر بوده است.





بسته سیاستی مهار تورم در کوتاه مدت و میان مدت

« بسته سیاستی مهار تورم » عنوان گزارش پژوهشی مفصلی است که توسط دکتر احمد تشکینی (دانشیار)، حسن ولی بیگی (استادیار) و حسن حیدری (پژوهشگر) موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی تهیه شده است. در این گزارش، مجموع سیاست های پولی، ارزی، اعتباری، مالی و بودجه ای و اصلاح ساختاری که در کوتاه مدت و میان مدت، می تواند به کاهش تورم در اقتصاد ایران کمک کند، مورد بررسی و اشاره قرار گرفته است. فهرست عناوین این سیاست ها را مرور می کنیم

۱. سیاست های پولی

سیاست ها	راهکار کوتاه مدت	راهکار میان مدت
پولی	- تداوم اجرای عملیات بازار باز - تقویت نظارت بر تراز نامه بانک ها و پیشگیری از خلق بی قاعده پول اعتباری - انضباط سیاست پولی از طریق قطع ارتباط کسری بودجه با پایه پولی به روش های: - تامین کسری بودجه از طریق واگذاری شرکتهای دولتی (در سیاست مالی ذکر شده است). - الزام بانکها به رعایت نسبت نقدینگی قانونی یا همان نگهداری درصدی از سپرده ها بصورت اوراق دولتی در ترازنامه. - وثیقه دار کردن هرگونه استقراض جدید بانکها از بانک مرکزی از طریق اوراق بدهی. - کنترل انتظارات تورمی و کاهش منابع در دسترس برای تقاضای سفته بازی در بازار داراییها از طریق کنترل سقف ترازنامه بانکها (مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۱ شورای پول و اعتبار) - اجتناب از حمایت از بورس با استفاده از منابع پایه پولی یا منابع غیر نقد شونده و در مقابل حمایت قانونی آن - هدف گذاری و اعمال محدودیت بر رشد بدهی بانکها و دولت به بانک مرکزی - هدف گذاری تورمی	حرکت به سمت استقلال بانک مرکزی

۲. سیاست های اعتباری

سیاست ها	راهکار کوتاه مدت	راهکار میان مدت
اعتباری	- حذف تسهیلات تکلیفی بانکها و مشروط کردن سهم معینی از آن (۵۰٪) برای سرمایه گذاری های صنعتی دارای پیشرفت فیزیکی بیش از ۶۰ درصد (مبتنی بر آمایش سرزمین). - اولویت دهی به تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی صادراتگرا - توجه به توان تسهیلات دهی بانکها و اجتناب از فشار بر ارائه تسهیلات بیشتر - واگذاری شعب مازاد بانکها دولتی و خصوصی جهت افزایش توان تسهیلات دهی - تسهیل در واگذاری اموال مازاد بانکها و استفاده از منابع حاصله برای مشارکت در طرحهای تولیدی - پیگیری تسهیلات معوق و کوتاه مدت	- تنوع بخشی به منابع تامین مالی از طریق افزایش سهم بازار سرمایه - افزایش توان تسهیلات دهی بانکها بدون اتکا به منابع بانک مرکزی از طریق: - افزایش سرمایه بانکها - بازپرداخت بدهی بخش دولتی به بانکها - فروش داراییها و اموال مازاد بانکها - الزام بانکها به کسب اطمینان از تامین حداقل ۲۵ درصد از منابع مالی مورد نیاز پروژه ها از محل حقوق صاحبان سهام





۳- سیاست های مالی و بودجه ای

سیاست ها	راهکار کوتاه مدت	راهکار میان مدت
مالی	- فروش اوراق دولت در بازار و یا اوراق بهادارسازی - داراییهای دولت جهت تامین مالی موقت - انضباط مالی (تعدیل رشد بودجه و رشد درآمدهای دولت) از طریق: - واگذاری طرح های نیمه تمام موجود (انتفاعی) به بخش غیردولتی با اولویت بازار سرمایه. - واگذاری سهام شرکت های دولتی موجود. - اجتناب از افتتاح پروژه های جدید (به استثناء طرح های زیر ساختی) و اولویت دادن به طرح های عمرانی دارای پیشرفت فیزیکی بالای ۸۰ درصد. - واگذاری سهام دولت به انواع روشها شامل فروش خرد، بلوکی و ETF. - افزایش سهم مالیت دولت از نقل و انتقال سهام از محل کاهش کارمزد کارگزاریها. - برقراری مالیت بر عایدی سرمایه - الکترونیکی کردن بخشی از فعالیتهای دولت جهت کاهش هزینه ها و فساد اداری	- پایدار سازی بدهی های دولت - گسترش پایه مالیات با حرکت به سمت اخذ مالیات از مودیان مالیاتی بزرگ - اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم با رویکرد تنوع بخشی به پایه های مالیاتی (وضع مالیات بر مجموع درآمد، مالیات بر عایدی سرمایه و ...)، کاهش فرارهای مالیاتی و اصلاح معافیتها - واگذاری بنگاههای وابسته به دولت و نهادهای عمومی از طریق بورس و یا پیمان مدیریتی - کنترل و مدیریت مصارف بودجه و قاعده مند کردن سقف مخارج (تعیین قاعده برای رشد مخارج دولت)

۴- سیاست های تولیدی

سیاست ها	راهکار کوتاه مدت	راهکار میان مدت
تولیدی	- تقویت بازار سرمایه و جهت دهی حرکت نقدینگی به طرحهای تولیدی و سرمایه گذاری در بازار سرمایه - اصلاح و تکمیل زنجیره های تولید در محصولات منتخب و اعطای سیاستهای حمایتی دولت مبتنی بر زنجیره ها - پرهیز از بی ثباتی قوانین و مقررات و رصد دائم مقررات محل تولید - تسهیل فرایندهای مربوط به ورود، تداوم و خروج بنگاههای اقتصادی و کاهش مراکز تصمیم گیری در خصوص مجوزهای مورد نیاز - اجتناب از افزایش تعرفه کالاهای واسطه ای، سرمایه ای و مصرفی که تولید داخل ندارند.	- حمایت از توسعه سرمایه گذاری برای افزایش ساخت داخل (با تاکید بر کالاهای وارداتی استراتژیک) و جذب سرمایه گذاری خصوصی پاندهای عمومی - جلب مشارکت بخش خصوصی در اجرای طرح های عمرانی موجود و یا جدید از طریق فراخوان و پذیرهنویسی. - توسعه سیاستهای اعتباری با رویکرد تقویت تولیدات داخلی صادرات گرا - تکمیل طرحهای نیمه تمام صنعتی معدنی بزرگ - مقیاس و کامل کننده زنجیره ارزش بخش غیردولتی - تسهیل و تسریع فرایند پذیرش شرکتها در بورس با شرط ثبات بازار - استفاده از روش های نوین تامین مالی سرمایه در گردش واحدهای تولید نظیر گواهی اعتبار مولد (گام)،





۵- سایر سیاست ها

سیاست ها	راهکار کوتاه مدت	راهکار میان مدت
ارزی	- تلاش بر ای آزادسازی منابع ارزی بلوکه شده در کشورها - کاهش شکاف نرخ ارز نیمايي با بازار آزاد جهت تسريع در برگشت ارز حاصل از صادرات	- تسريع در عملياتي کردن بازار متشکل ارزی. - آزادسازی بازار ارز و پياده سازی نظام شناور مدیریت شده - پيگیری پيمان های پولی دوجانبه با شرکای تجاری
اصلاح ساختار	رفع تحریم های ظالمانه	- ایجاد و توسعه زیرساخت ها - تسهیل صدور مجوزها و کاهش بورکراسی اداری
انتظارات تورمی	- افزایش نرخ سود متناسب با انتظارات تورمی - تامین مالی کسری بودجه دولت از طریق روشهای غیر تورمزا (نظير اوراق)	کنترل کسری بودجه دولت و برطرف کردن ناترازی آن

سال مهار تورم

لغویم تلاش مسعولین و فعالان اقتصادی
و مردمی برای تحقق شعار
«مهار تورم، رشد تولید» در سال ۱۴۰۲
پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۲



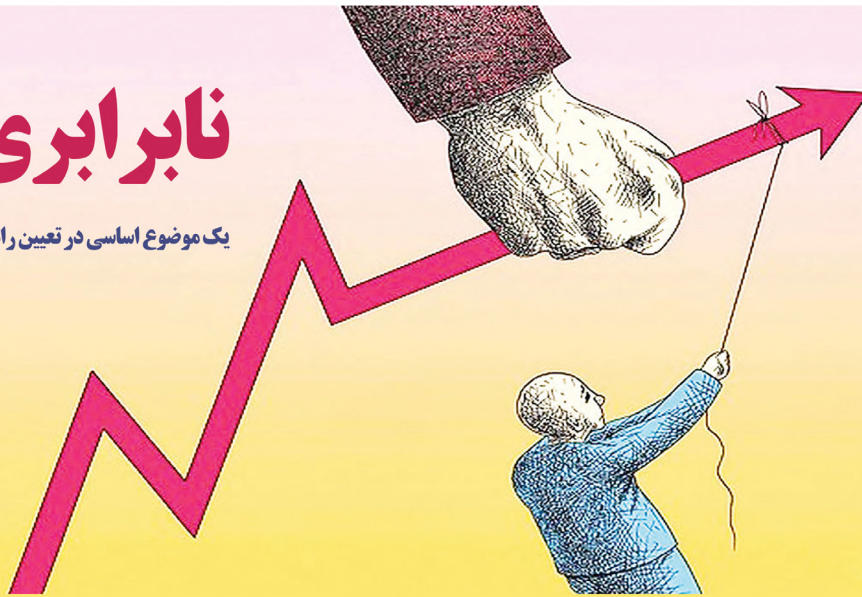
من با توجه به همه‌ی جهات، هم تورم، هم تولید داخلی، این چیزهایی که مهم است، تورم که مشکل اصلی است، تولید داخلی که حتما یکی از کلیدهای نجات کشور از مشکلات اقتصادی است، با توجه به اینها شعار سال را اینجور اعلام میکنم: «مهار تورم، رشد تولید». این شعار سال است. یعنی باید همه‌ی همت مسئولین متوجه این دو موضوع باشد. در درجه‌ی اول مسئولین، در درجه‌ی بعد همینطور که گفتیم فعالان اقتصادی و فعالان مردمی و کسانی که دستشان میرسد کاری انجام بدهند و فعالان فرهنگی، صدا و سیما که باید فرهنگ سازی بکنند در این زمینه‌ها، همه‌ی اینها باید متوجه این دو نکته‌ی اصلی باشند، در درجه‌ی اول مهار تورم، یعنی واقعاً تورم را مهار کنند و کاهش بدهند تا آنجایی که ممکن است کاهش بدهند و مسئله‌ی تولید را افزایش بدهند. بنابراین این شعار سال شد مهار تورم و رشد تولید.





نابرابری تورم

یک موضوع اساسی در تعیین راهبردهای کلان اقتصاد



فهیمة بهرامی (استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

لازم به ذکر است در خصوص نابرابری تورم در سطح دهک‌های هزینه‌های خانوارها، باید به این نکته توجه داشت که علاوه بر تفاوت ضریب اهمیت کالاهای یکسان در گروه‌های مختلف درآمدی و همچنین ضریب اهمیت متفاوت کالاهای مختلف برای هر گروه درآمدی، از منظر تئوری و نظری شاخص‌هایی همچون منشاء تأمین درآمد خانوارها (از محل دستمزد یا سرمایه)، واکنش صنایع و رشته فعالیت‌ها به سرعت گردش پول و سطح و نوع سیاست‌های حمایتی دولت‌ها از خانوارها نیز تأثیرگذار است (لاو و سون، ۲۰۱۷؛ نیامی و هادسون، ۲۰۱۸)، که در این گزارش با عنایت به سطح دسترسی به آمار و اطلاعات، بیشتر شاخص ضریب اهمیت کالایی در محاسبه و تبیین نابرابری دخیل بوده است.

از دیگر نکات قابل توجه در حوزه سیاست‌گذاری در جهت مقابله با اثرات تورمی سیاست‌ها، توجه به مفهوم آستانه تورمی می‌باشد. آستانه تورمی به حدی از تورم اطلاق می‌شود، که شکاف تورمی و یا نابرابری تورم در سطح دهک‌های درآمدی، بعد و قبل از سطح آستانه مذکور الگوی متفاوتی دارد.

اهمیت پرداختن به مفاهیمی همچون شکاف تورمی و آستانه تورمی و در نظر گرفتن کیفیت ساختار اشتغال در جامعه (رسمی و غیررسمی بودن مشاغل) و همچنین شناخت مختصات جامعه از منظر محل تأمین درآمد خانوارها (از محل شغل یا سرمایه) از نکات بسیار کلیدی در اتخاذ و بکارگیری سیاست های کلان اقتصادی با اهداف رفاهی و ضد تورمی می‌باشد.

هرچند میزان تورم، انعکاس معناداری از وضعیت تأثیر و کیفیت تعامل سیاست های کلان اقتصادی و واکنش ذی‌نفعان نسبت به سیاست‌های مذکور است، اما زمانی که سیاست‌گذار، اتخاذ سیاست‌هایی نظیر آزادسازی قیمت‌ها، تغییر نرخ بهره و مالیات و سیاست‌هایی از این قبیل که اجرای آن با احتمال افزایش تورم همراه می‌باشد را دنبال می‌کند و در این راستا به دنبال راهکاری برای کاهش اثرات منفی تورم بر رفاه بویژه در خصوص خانوارهای آسیب‌پذیر است، شناخت از وضعیت و ابعاد جزئی‌تری از تورم، نظیر چگونگی بروز آن در سطح دهک‌های درآمدی، کیفیت و کمیت ظهور تورم در سطح صنایع و یا گروه‌های کالایی ضروری خواهد بود. این شناخت به تصمیم‌گیری در خصوص سطح و کیفیت برنامه‌های حمایتی و همچنین تمهیدات مربوط به میزان و زمان تأمین بازار کالاهایی که بیشتر در معرض چالش اثرات نابرابری تورم قرار می‌گیرند، کمک خواهد کرد.

موضوع شناخت چگونگی بروز تورم در سطح خانوارها در گروه‌های مختلف درآمدی، ریشه در شناخت مفهوم نابرابری تورم دارد. از آنجا که ضریب اهمیت کالاهای در سبد هزینه خانوارها متأثر از سطوح درآمدی آنها بوده، سطح شاخص قیمت و تغییرات آن برای هر گروه کالایی، نرخ‌های متفاوتی از تورم را برای دهک‌های درآمدی به همراه دارد که به آن «نابرابری تورم» گفته می‌شود. نابرابری تورم بیان‌کننده سطح نابرابری از فشار تورم بر خانواده‌های یک جامعه است که به هر دلیلی در گروه‌های متفاوت درآمدی قرار گرفته اند. همانگونه که به آن اشاره شد، درک موضوع فشار نامتوزان تورم بر خانوارها به ویژه برای سیاست‌گذار و برنامه‌ریزان در جهت اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی از خانوارهای آسیب‌پذیر از یک‌سو، و همچنین توجه به پیامد اتخاذ سیاست‌هایی که با تورم همراه است، امری ضروری است.

نشریه دیجیتال «بازار نابازار» شامل تازه‌ترین دیدگاه‌ها و گزارش‌های تحلیلی پژوهشگران و کارشناسان موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در موضوعات تخصصی و روز کشور است و لزوماً دیدگاه رسمی و سازمانی این موسسه به حساب نمی‌آید.

شناسنامه نشریه

مدیر مسئول: دکتر احمد تشکینی

تأمین محتوا: فائزه کیایی

گرافیک و صفحه‌آرا: ماهورا موسوی

عکاس: امیر محسن باسغا